

ادراک معنوی انسان از ابرویداد مذهبی اربعین حسینی

مهديه شهرايي فراهاني*

چکیده

ابرویداد مذهبی اربعین از جمله بزرگ ترین رویدادهای گردشگری مذهبی جهان، دربرگیرنده باورها و اعتقاداتی غیرمادی است که چنین حرکتی را در جهان ایجاد نموده است. ادراک معنوی گردشگر از جمله رویکردهای جدیدی است که در مطالعات گردشگری مطرح شده و به همه عوامل غیرمادی و روحانی وجودی گردشگر، بر دریافت وی از سایت گردشگری تأکید می نماید. این پژوهش با هدف بررسی شناسایی حقیقت باطنی ادراک معنوی گردشگر در توسعه گردشگری مذهبی رویداد اربعین، به شیوه کیفی و روش توصیف و تحلیل انجام گرفته است. این پژوهش به روش مصاحبه نیمه ساختاریافته با بیست و نه نفر از گردشگرانی که حداقل یک بار در رویداد اربعین حضور داشته اند، در مقطع زمانی تابستان ۱۳۹۸ صورت پذیرفته است. نتایج پژوهش حاکی از این مطلب است که حقیقت باطنی و درونی وجود گردشگر بر احساس نزدیکی به خالق هستی، احساس اتصال و قرابت، احساس آرامش، احساس ارزش های والای انسانی و احساس بازگشت به خویشتن و گمشده درونی اشاره می نماید که همگی بر شناخت هرچه بیشتر ماهیت حقیقی انسانی تأکید می کند. ادراک معنوی گردشگر عنصر کلیدی شکل دهنده چنین ابرویداد مذهبی است که نیازمند نگاه ژرف تر در جهت توسعه کیفی ابرویداد مذهبی اربعین می باشد.

واژگان کلیدی: ابرویداد مذهبی اربعین، ادراک معنوی، گردشگر، حقیقت باطنی.

* دکترای تخصصی مدیریت گردشگری دانشگاه علم و فرهنگ؛ مدیر واحد تحقیق و توسعه پارک ملی علوم و فناوری های نرم و صنایع فرهنگی
Mahdieh.shahrabi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۳ تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۷/۳۰

مقدمه

امروزه رویدادهای مذهبی در ذیل گردشگری مذهبی از جمله گونه‌های رایج گردشگری به شمار می‌روند و نتایج تحقیقات و آمارهای منتشر شده نیز اشاره به افزایش سفرهای مذهبی و حضور انبوه گردشگران در رویدادها دارد. ابرویدادها، که به رویدادهای در مقیاس عظیم و حضور بیش از یک میلیون گردشگر اشاره دارد، سال‌های اخیر با رشد چشمگیری روبه‌رو بوده است. از جمله ابرویدادهای جهان می‌توان به آیین سوگواری هند^۱ (۱۹۶۹)، آیین سوگواری جمال عبدالناصر مصر (۱۹۷۰)، آیین سوگواری امام خمینی ایران (۱۹۸۹)، کنسرت رد استوارت برزیل (۱۹۹۴)، روز جهانی جوان (۱۹۹۵)، مراسم مذهبی حجاج مسلمان در عربستان، راهپیمایی ضد جنگ در ایتالیا (۲۰۱۳) و تجمع مذهبی در فیلیپین (۲۰۱۵) در کنار مراسم اربعین در کشور عراق اشاره کرد (بد، ۱۳۹۵). بررسی نشان می‌دهد اغلب این ابرویدادها مذهبی هستند. رویداد مذهبی برای افرادی که انگیزه‌های مذهبی دارند و یا گروهی که به جنبه‌های فرهنگی رویداد علاقه‌مند هستند، تعریف شده است و یا تجمع در مقیاس بزرگ برای مناسبتی تاریخی و سالگردها را رویداد مذهبی می‌گویند (سروتی، ۲۰۱۵).

اصطلاح «ادراک معنوی»^۳ از موضوعاتی است که به صورت پراکنده و محدود مورد مطالعه قرار گرفته است. اسپنسر^۴ (۲۰۱۶) اصطلاح ادراک معنوی را به مفهوم درک و شناخت خدا مطرح کرده است که از دیدگاه وی از دو طریق این شناخت حاصل می‌شود. یکی از طریق دین و دیگری به روش شهودی. دین و آیین‌های مذهبی خود شیوه و روشی است که انسان را به خدا نزدیک می‌سازد. از سوی دیگر ممکن است انسان به روش شهودی و از طرق دیگری همچون تجربه، ارتباط با طبیعت، انسان‌ها و... به این شناخت دست یابد. در مطالعات روان‌شناسی و پزشکی، ادراک معنوی به مفهوم درک مضامین روحانی و معنوی که بیشتر متمرکز بر مضامین مذهبی است تعریف شده است. استراناهان^۵ (۲۰۰۱) در مطالعات پزشکی و روان‌شناختی خود در میان بیماران و پرستاران بیمارستان، به مراقبه معنوی پرستاران در مواجهه با بیمار به درک آنان از معنویت برای برقراری ارتباط آگاهانه و مؤثر در بهبود بیمار تأکید می‌کند. از این رو ادراک معنوی، به مفهوم مراقبه معنوی پرستاران از مضامین معنوی در ارائه خدمات بهتر به بیماران مطرح شده است. در پژوهش دیگر نیز محسنی مقدم (۱۳۹۵)، ضمن مطالعه معماری بناهای مذهبی و ایجاد احساس معنوی

1. Cn Annandurai
2. Cerutti
3. Spiritual Perception
4. Spencer
5. Stranahan

در تقارب و نزدیکی با فضای عبادی و مذهبی که در نیایشگاه‌ها حکمفرماست، ادراک معنوی را نوعی حالت معنوی در فرد تعریف می‌کند. بررسی مطالعات صورت گرفته که در عنوان تحقیق ایشان اصطلاح ادراک معنوی مشاهده می‌شود، نشان می‌دهد اصطلاح ادراک معنوی به مفهوم شناخت پروردگار، مراقبه معنوی و احساس معنوی بیان شده است. به عبارت دیگر تعبیر و تفسیری بر روی حالات معنوی صورت گرفته و ادراک معنوی نه به‌عنوان یک اصطلاح، بلکه در مفهوم توصیفی از حالات و ویژگی‌های انسانی آورده شده است. در مطالعات گردشگری، اولین بار اصطلاح «ادراک معنوی گردشگر» در پژوهش رساله دکترا به صورت الگوی مفهومی استخراج گردید. ادراک معنوی گردشگر از سفر، شناختن، دریافتن، آگاهی یافتن، تفسیر کردن، ارتباط برقرار کردن، درون و بطن حقیقتی است فراتر از زوایای مادی وجود انسانی و سایر دریافتهای گردشگر که در سطح و کیفیتی متفاوت رخ می‌دهد. البته می‌توان چنین پنداشت به جهت اختلاط بعد مادی و غیرمادی وجود انسانی، ادراک و دریافتهای انسانی نیز متشکل از دو بعد انسانی صورت پذیرفته و نمی‌توان مرز مشخصی میان آنها تعیین نمود. با این حال ادراک معنوی، گونه‌ای کاملاً متفاوت از سایر دریافتهای انسانی است که ریشه در ماهیت غیرمادی و معنوی داشته و قرابت با اصل وجودی انسان دارد (شهرابی فراهانی، ۱۳۹۷).

بد (۱۳۹۵)، در رساله دکترای خود با عنوان «استخراج الگوی گردشگری ابرویداد مذهبی اربعین»، توانسته است ابرویداد مذهبی اربعین را در قالب یک الگوی مفهومی با روش تحلیل تماتیک و اتکا به میدان واقعی، الگوی حاکم بر ابرویداد اربعین را شناسایی نموده و تأکید می‌کند که برای توسعه گردشگری بهره‌مندی از الگوهای تجربی، امری ضروری است. از این‌رو الگوی حاکم بر محیط با شناسایی فضای محیطی مؤثر، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

شهرابی فراهانی (۱۳۹۷)، در رساله دکترا با عنوان «ارائه الگوی ادراک معنوی گردشگران فرهنگی کلان شهرهای ایران از سفر»، مفهوم ادراک معنوی را نخستین بار در مطالعات گردشگری ارائه و الگوی آن را مطرح کرد. در این الگو پیش‌فرض گردشگر، حقیقت باطنی، حقیقت ظاهری و کنش گردشگر مؤلفه‌های الگوی ادراک معنوی گردشگر از سفر هستند که در نهایت می‌تواند به تعالی، کمال و رشد گردشگر در زندگی منجر گردد و از طی طریق، حرکت و ارتباطات گردشگر شکل می‌گیرد.

سؤال اصلی این پژوهش، در راستای شناسایی و توصیف عناصر حقیقت باطنی ادراک معنوی گردشگر در ابرویداد مذهبی اربعین، می‌باشد. چراکه فلسفه شناختی گردشگر مبتنی بر شناسایی ماهیت و فلسفه و حقیقت درونی، باید به درستی روشن گردد و از نگاه سطحی بدان امتناع ورزیده شود. در این پژوهش با هدف توصیف و شناسایی عناصر حقیقت باطنی ادراک معنوی گردشگر،

مؤلفه «حقیقت باطنی» و عناصر مربوطه با استناد به منابع کتابخانه‌ای، از دیدگاه گردشگرانی که دست‌کم یک بار در ابرویداد مذهبی اربعین حضور یافته‌اند، مورد مطالعه قرار گرفته است.

مروری بر مبانی نظری پژوهش

ادراک معنوی گردشگر

انسان محور اصلی سفر و گردشگری، حقیقتی است مرکب از جسم و روح؛ ساختاری متشکل از دو بعد مادی و معنوی که هر دو لازم و ملزوم یکدیگر می‌باشند. در حقیقت اصل واقعی انسان، یک سیستم تفکر منطقی و هماهنگ و عملی پیرامون معنویات است که هدف آن تکامل روح می‌باشد که آن را «قوه مدرکه معنوی» می‌نامند (الهی، ۱۳۷۷، ص ۲۵). شناخت و درک بر پایه ماهیت وجودی انسان، شناخت هستی و بعد روحانی و غیرمادی وی مبتنی بر پویایی اندیشه، معنا، تعالی خویشتن، ابدیت و جاودانگی، دین (حسنی بافرانی، ۱۳۹۰) که می‌تواند انسان را به درک معنوی برساند. در حقیقت نگرش، دانش و مهارت‌های انسانی است که ابعاد معنوی را برای شناخت بیشتر در وجود انسانی شکل می‌دهند (ویتن و دیگران، ۲۰۱۳^۱).

دریافت، آگاهی و شناخت از عناصر غیرمادی، حقیقت باطنی و معنوی را «ادراک معنوی» می‌نامند. ادراک معنوی، دربرگیرنده حقیقت درک انسانی، و نشأت یافته از حقیقت باطنی و ماهیت هستی و وجودی است که ریشه در عناصر فرامادی، غیرمادی و فراطبیعی وجود انسانی دارد و شناخت حقیقی و درونی را برای انسان رقم می‌زند؛ برآیندی از مجموع ادراکات مادی انسان و عناصر غیرمادی است که با بعد روحانی وی مرتبط بوده و با ماهیت هستی پیوند می‌یابد. ادراک معنوی، تحقق انسان آرمانی است که هم از جنس طبیعت و هم فراتر از آن بوده که می‌تواند در مسیر حقیقت‌جویی و شناخت، گام‌های مستمر و همیشگی داشته باشد که نهایتی برای آن قابل وصف نیست، بنابراین انسان در مسیر خاستگاه معرفت افزایی، نیازمند تقرب بیشتر به دریافت معنوی است تا مسیر قرب الی الله را در جهت تحقق خلیفه الهی خویش طی نماید، و گام نخست می‌تواند در جهت شناخت هرچه بیشتر خویشتن باشد. ادراک معنوی، شناختن در مسیر فرامادی و روحانی است، نه وسیله آن. چراکه ماده وسیله و ابزار بوده و غیرمادی و معنویت، ماهیت حقیقت هستی است، و ادراک معنوی در بطن این شناخت شکل گرفته است و ویژگی غیرمادی دارد. لذا برای ادراک معنوی، می‌توان ماده را ابزار دانست؛ اما غیرماده و فراطبیعی ویژگی و صفات ذاتی ادراک معنوی محسوب می‌شود (شهرابی فراهانی، ۱۳۹۷).

1. Vieten & et al.

الگوی ادراک معنوی گردشگر از سفر، دربرگیرنده مجموع ادراک‌های حسی، اجتماعی و محیطی گردشگر بوده که تحت تأثیر عوامل درونی و بیرونی قرار دارد. این عوامل مجموعه ادراک گردشگر را تحت تأثیر قرار می‌دهند و بر میزان کیفیت و شدت ادراک اثر می‌گذارند. مؤلفه‌های ادراک معنوی گردشگر، از مجموع پیش‌فرض گردشگر، حقیقت باطنی، حقیقت ظاهری و کنش گردشگر حاصل می‌شود که در نهایت می‌تواند منجر به تعالی، کمال و رشد گردشگر در زندگی گردد که از طی طریق، حرکت و ارتباطات گردشگر شکل می‌گیرد (منبع همان).

حقیقت باطنی

از دیدگاه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در نهج البلاغه، انسان واجد حقیقتی است ملکوتی و موهبتی شگفت از استعدادهای بی‌اندازه که می‌تواند با تربیت خود آن را شکوفا نماید و والاترین جلوه حق گردد. رمز جاودانگی و بی‌نهایت‌طلبی و بی‌مرزی و برتری انسان بر همه موجودات و آفرینش همه چیز به سبب حقیقت اوست. این شأن آدمی است که او را مسجود فرشتگان ساخت و فرمان خداوند بر سجده به آدم جاری شد (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۱). از دیدگاه سقراط، علما و متفکران باید بدانند که نباید در آسمان دنبال حقیقت بگردند، که حقیقت در زمین وجود بی‌کران انسان است (کاپلستون، ۱۳۶۸، ص ۱۶۳ به نقل از کبیر، ۱۳۸۴، ص ۱۴۴).

کانت در مورد طبیعت انسانی معتقد است که تمامی انسان‌ها از انسانیت ذاتی واحدی^۱ برخوردارند، به‌گونه‌ای که تمامی انسان‌ها در آمادگی‌های طبیعی و قدرت تولید مثل مشترک هستند و نژادهای مختلف تنها به سبب علل طبیعی محیط به وجود می‌آیند. به عبارت دیگر در شرایط مختلف محیطی آنچه که دستخوش تغییر می‌شود انحاء مختلف بقاء است نه تمایلات اصیل انسانی و قوای تولید مثل انسان‌ها. از آنجا که انسان موجودی خردمند و بهره‌مند از حکمت است، بحث غایتمندی در افعالش مطرح می‌شود؛ این غایتمندی در دو ساحت زندگی فردی و جمعی انسان حضور می‌یابد و علاوه بر تبیین تکامل در زندگی انسان، به صورت شخصی به مفاهیمی مانند تاریخ، تمدن و فرهنگ که ناظر به تکامل نوع انسان است نیز معنا می‌دهد (Kant, 1902) به نقل از روحانی راوری و طالب‌زاده، ۱۳۹۰). انسان وجودی است که از طبیعت شروع می‌شود و تا ماورای طبیعت، گسترش دارد. انسان صراط و معبر میان دو عالم جسمانی و روحانی است. انسان یک واحد شخصی است که برخی مراتبش مادی و بعضی مراتبش مجرد است. انسان از نقطه نظر ملاصدرا بی‌نهایت است و مقام معلوم ندارد. او نه در «هویت» خود مقام معینی دارد و نه در

1. Same essential humanity

«وجود» خویش، بلکه فراتر از هر حد و مقامی است. ملاصدرا انسان را حقیقت واحد ذومراتبی می‌داند که در ذات و گوهر خود همواره در تحول و سیلان است. انسان در ابتدای پیدایش، هیچ محض است. ولی ظرفیت وجودی برای «شدن» و «تعالی» دارد. این شأن تکوینی انسان است. انسان هویتی است که در مسیر انسانیت همواره اشتداد و ارتقا می‌یابد. هیچ‌گونه حد و مرزی ندارد و تا بی‌نهایت ادامه دارد (صدرالمآلهین شیرازی، ۱۳۸۶). به همین سبب انسان به خوبی می‌فهمد که سعادت وی غیر از سعادت هریک از نیروهای وجودی‌اش می‌باشد؛ و می‌فهمد که ناگزیر است در هریک از خواسته‌های خود که طبعاً از یکی از قوای درونی او سرچشمه می‌گیرد به محاسبه بپردازد (سعادت‌فر، ۱۳۸۷).

علامه طباطبایی عقیده دارد انسان که از جمله اشیا است نیز از این قاعده مستثنا نبوده و دارای هستی (وجود) و چیستی (ماهیت) است. بر مبنای تفکر اصالت وجود، هستی انسان نسبت به چیستی او اصالت دارد و ویژگی‌های مربوط به خود را دارد. از سویی ماهیت انسان که وجه تمایز او از سایر ماهیات است نیز ویژگی‌های مخصوص خود را دارد. انسان به‌عنوان یک ماهیت (یک نوع از انواع موجودات) دارای ویژگی‌هایی است که در همه افراد انسان وجود داشته و به شرایط زمانی و مکانی مختلف و نیز حرکات و کنش‌های مختلف انسان‌ها بستگی ندارد. مثلاً اینکه همه انسان‌ها دارای قوه تفکر، تمییز و تشخیص هستند که این ویژگی در هر زمان و مکان و برای هر انسانی با هر نوع اراده و کنشی ثابت است. این نوع ویژگی‌ها متعلق به نوعیت انسانند که به ویژگی‌های فی‌نفسه نوع انسان مصطلح شده‌اند. انسان به واسطه داشتن عقل، علم و اراده، طبیعتاً از سویی کاستی‌ها یا نیازهایی را درون خود یافته و از سوی دیگر اشیایی را در بیرون خود برای رفع کاستی‌ها و ارضای نیازهای خود می‌یابد و به قصد بقای خود به حرکت و کنش می‌پردازد. همچنین انسان در ذات خود گرایشاتی را می‌یابد و می‌کوشد آنها را به ظهور رسانیده و به رشد و کمال دست می‌یابد. این نوع افعال و حرکات که انسان به قصد زدودن نقصی از خود یا تحصیل کمال و رشدی برای خود انجام می‌دهد، به حرکات استکمالی مصطلح شده‌اند (طباطبایی، ۱۳۸۹، ص ۶۰-۸۰). از دیدگاه پروفیسور نصر، انسان خلیفه الله، از نقش خویش به‌عنوان واسطه‌ای میان آسمان و زمین و نیز به کمال خویش به‌عنوان کمالی که در ورای قلمرو زمینی قرار گرفته آگاه است، قلمرو زمینی که به او اجازه حاکمیت داده شده است مشروط بر اینکه نسبت به سرشت ناپایدار سفر خود بر روی زمین آگاه بماند. چنین انسانی با آگاهی از حقیقتی روحانی به سر می‌برد که متعالی از اوست و با این همه چیزی جز فطرت خود او نیست. کل ساخت و سرشت انسان نقش مسافری را بر ملا می‌سازد که چیزی می‌شود که هست و چیزی هست که می‌شود. انسان فقط در صورتی کاملاً انسان است

که دریابد کیست و به این ترتیب نه فقط تقدیر خویش را محقق سازد و به کمال خویش نایل شود، بلکه جهان پیرامون خود را نورانی سازد. انسان اهل معرفت از خویش فراتر می‌رود تا به عالم بالا، و از طریق این فرایند به وجود نفس خویش همان بنیاد قدسی هستی برسد (نصر، ۱۳۸۱). حقیقت باطنی، عنصر کلیدی و جدایی‌ناپذیر معنویت، و ماهیت انسانی است که به بخش غیرمادی و روحانی وجود انسان مرتبط است. حقیقت باطنی، به ماهیت هستی انسانی اشاره می‌کند که اصالت روح، بعد غیرمادی و درنهایت اتصال وی به ابعاد روحانی هستی و خالق را شکل می‌دهد. حقیقت باطنی، فطرت خدایی وجود انسانی است که وی را به خلیفه الهی نزدیک‌تر نموده و صفات تعالی و کمال‌گرایانه انسانی را تداعی می‌بخشد. لذا حقیقت باطنی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های ادراک معنوی، اشاره به احساس وجد و شغف درونی گردشگر در مواجهه و رویایی با فرهنگ و سایت فرهنگی، احساس اتصال و قرابت با سایت فرهنگی که در آن قرار گرفته و نوعی پیوستگی با پیشینه فرهنگ و تاریخ منطقه، احساس نزدیکی به خالق هستی، احساس توانمندی والای انسانی در خلق آثار فرهنگی و تاریخی در سایت فرهنگی، احساس بازگشت به خویشتن و گمشده درونی که گویی در سایت فرهنگی یا تاریخ منطقه خود را می‌جوید و نیز احساس آرامش درون گردشگر از حضور در سایت فرهنگی دارد. می‌توان چنین استدلال نمود حقیقت باطنی تنها رکن غیرمادی ادراک معنوی است که اصالت آن به غیرمادی بودن است. به معنای دیگر، حقیقت باطنی مؤلفه بارز و آشکار غیرمادی و روحانی ادراک معنوی است که جمیع عناصر آن توصیف‌کننده جوانب غیرمادی وجود انسانی، در ماهیت و ارتباط با هستی است (شهرابی فراهانی، ۱۳۹۷).

ابرویداد مذهبی اربعین

از دیرباز تاکنون، فضاهای مذهبی، جذبه و کشش بالایی در جذب افراد به سفر به آن منطقه داشته‌اند. مغناطیس معنوی و فضای روحانی در این اماکن همواره افراد را به این فضاها کشانده و سالانه با گسترش و سیل عظیم سفرها به اماکن مذهبی روبه‌رو هستیم جستجوی حقیقت، روشنگری و کسب تجربه ارزشمند آمیخته با شئون الهی و مقدس، انسان‌ها را بر آن می‌دارد تا به مکان‌ها و مقاصد سفر کنند که از فضای زندگی مادی و روزمره فراتر است. مطالعات نشان می‌دهد که برخلاف تصور، سفرها با انگیزه مذهبی در جهان در حال فزونی است (ایمانی خوشخو و شهرابی فراهانی، ۱۳۹۶، ص ۲۳۸ و ۲۴۵). به گفته فیض آبادی و همکارانش (۲۰۱۱)،^۱ گردشگری مذهبی به‌عنوان یک واقعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، دارای وظایف و کارکردهای

1. Feyze Abadi & et al.

مختلفی در جامعه می‌باشد. بازیابی روانی، آرامش روح، لذت بردن از فضای معنوی، مشاهده جلوه‌های مختلف آداب و رسوم زیارتی، محصولات معنوی، اشتغال‌زایی، شناخت فرهنگ معنوی، احیای غرور ملی، پاسداشت میراث فرهنگی، شناخت شیوه‌های زندگی، ایجاد اعتماد به نفس فرهنگی، حفظ منابع فرهنگی، همگرایی فرهنگی، بروز تبادلات فرهنگی، رشد سرمایه‌های فرهنگی، از مهم‌ترین کارکردها و اثرات گردشگری مذهبی در جامعه می‌باشد. در حقیقت، گردشگری مذهبی برای هر کشور در کنار ارزش‌های معنوی، دارای ارزش‌های اقتصادی نیز می‌باشد. در واقع، گردشگری می‌تواند از طریق کمک به درآمد، بهبود اقتصاد محلی، افزایش فرصت‌های شغلی، بهبود سرمایه‌گذاری، توسعه و هزینه‌های زیرساخت‌ها، افزایش درآمد مالیاتی و... بر رشد و توسعه اقتصادی تأثیر بگذارد.

ابرویداد^۱ در مطالعات گردشگری به بزرگ‌ترین رویدادهایی اطلاق می‌شود که تعداد شرکت‌کنندگان در آن بیش از یک میلیون نفر است (ژو،^۲ ۲۰۰۶، ص ۲۱). گتز^۳ (۱۹۹۷) ابرویداد را به اندازه‌ای بزرگ تعریف می‌کند که پوشش رسانه‌ای، پرستیژ و اثرات اقتصادی آن برای جامعه مقصد و دولت بسیار زیاد است (بد، ۱۳۹۵، ص ۵۳). ابرویداد مذهبی اربعین که به امام سوم شیعیان منتسب می‌شود جایگاه خاص و ویژه‌ای دارد. امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: نشانه‌های مؤمن پنج چیز است: ۱. پنجاه رکعت نماز نماز یومیه و نمازهای نافله؛ ۲. زیارت اربعین؛ ۳. انگشتر به دست راست کردن؛ ۴. بر خاک سجده کردن؛ ۵. بسم الله الرحمن الرحیم را در نماز بلند گفتن (مجلسی، ۱۰۳۷).

یکی از مواردی که در ابرویداد اربعین قابل توجه است این است که در این شکل خاص از گردشگری - برخلاف سایر اشکال که هدف و جاذبه اصلی و نهایی خود مقصد است، جاذبه گردشگری کل فرایند سفر و رسیدن به مقصد است و در واقع خود شکل سفر کردن تبدیل به جاذبه‌ای می‌شود که افراد را برای این تجمع عظیم برمی‌انگیزاند. نکته قابل توجه دیگر این است که برخلاف سایر ابرویدادهایی که در جهان برگزار می‌شوند در ابرویداد مذهبی اربعین نه تنها آسیب‌های فرهنگی و اخلاقی به کمترین اندازه ممکن می‌رسند، بلکه این رویداد بستری را برای رشد اخلاقیات روحیه جمعی و تقارب فرهنگی فراهم می‌آورد و در طول مدت این گردهمایی بزرگ افراد مختلف طیفی از مشترکات اعتقادی و فرهنگی را در قالبی همگن به نمایش می‌گذارند و نهایتاً به بلوغ فکری و رشد معنوی می‌رسند. یکی دیگر از نکات برجسته این همایش عظیم که

1. Mega Event

2. Zhou

3. Getz

مغایر با سایر رویدادهای جهانی است، باور مذهبی قوی که بین افراد شرکت‌کننده و دست‌اندرکاران وجود دارد، می‌باشد این باور تا جایی محکم است که افراد با اینکه با توجه به جریان‌های موجود بیم جان خود را دارند، این امر نه تنها تقاضا برای این سفر را نکاسته بلکه هر ساله تعداد افراد را افزایش می‌دهد در حالی که ترس از تأمین امنیت یکی از عوامل مؤثر در کاهش تقاضای گردشگری می‌باشد. همچنین از موارد قابل تأمل دیگر این است که در ادبیات گردشگری بیان می‌شود که کمبود امکانات و زیرساخت‌های مناسب سبب کاهش تقاضای گردشگر برای مقصد می‌باشد در صورتی که در این پدیده گردشگری به هیچ عنوان نحوه اسکان و امکانات رفاهی از اولویت‌های قابل توجه گردشگران نمی‌باشد (همایون و بد، ۱۳۹۵، ص ۲۳۶-۲۳۷).

ابرویداد مذهبی اربعین پدیده‌ای است که برخی مفاهیم ادبیات گردشگری از جمله ارزش‌گذاری، آمارگرایی، بازده، بازار مقصد، گردشگر، اقتصاد، کالاسازی و مدیریت بازار نمی‌تواند آن را به درستی مفهوم‌سازی نماید. چراکه باید به این نکته توجه داشت ابرویداد مذهبی اربعین عموماً بر عوامل فرهنگی بومی-سنتی و مذهبی-معنوی متکی می‌باشد و در عصر حاضر توانسته است موجب بازگشت امر قدسی و فراخوان به امر متعالی در ساحت زندگی گردد (بد، ۱۳۹۵).

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به شیوه کیفی با استناد به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. داده‌های تحقیق در دو بخش اسناد کتابخانه‌ای و مصاحبه جمع‌آوری شده و از روش تحلیل محتوا برای تحلیل داده‌ها به کار گرفته شده است. تحلیل محتوا یکی از روش‌های کلاسیک داده‌های متنی است که از محصولات رسانه‌ای تا داده‌های مصاحبه‌ای کاربرد دارد. ویژگی برجسته روش تحلیل محتوا استفاده از مقوله‌هایی است که غالباً از الگوهای نظری اخذ شده‌اند (فلیک، ۱۳۹۴، ص ۳۴۷). در این تحقیق از تحلیل محتوای کیفی که توسط مایرینگ^۲ (۲۰۰۰-۲۰۰۴) ارائه شده است استفاده گردید. در نظر مایرینگ گام نخست تعریف داده است، یعنی مصاحبه‌ها یا آن بخش‌هایی که به پاسخ سؤال‌های تحقیق مربوط می‌شوند؛ در مرحله دوم تحلیل وضعیت گردآوری داده‌هاست که چگونه به وجود آمده‌اند و در مرحله سوم داده‌ها به شکل صوری توصیف می‌شوند. در مرحله چهارم تحلیل متن‌های انتخاب شده و آنچه محقق قصد دارد با کمک تفسیر از دل داده‌ها بیرون بکشد را مشخص می‌کند (منبع همان).

1. Flick

2. Mayring

مؤلفه حقیقت باطنی گردشگر، یکی از مؤلفه‌های ادراک معنوی گردشگر از سفر می‌باشد که به ماهیت هستی انسانی اشاره می‌کند که اصالت روح، بعد غیرمادی و در نهایت اتصال وی به ابعاد روحانی هستی و خالق را شکل می‌دهد. حقیقت باطنی، فطرت خدایی وجود انسانی است که وی را به خلیفه الهی نزدیک‌تر نموده و صفات تعالی و کمال‌گرایانه انسانی را تداعی می‌بخشد. احساس وجد و شغف درونی، احساس اتصال و قرابت، احساس نزدیکی به خالق، احساس توانمندی والای انسانی، احساس بازگشت به خویشتن و گمشده درونی و احساس آرامش، عناصر حقیقت باطنی گردشگر از سفر می‌باشند (شهرابی فراهانی، ۱۳۹۷). در این پژوهش با هدف توصیف و شناسایی حقیقت باطنی گردشگر از ابرویداد مذهبی اربعین، این عناصر به روش مصاحبه و سؤالات نیمه ساختار یافته مورد تحلیل قرار گرفت.



شکل ۱: شاخص‌های حقیقت باطنی ادراک معنوی گردشگر

منبع: شهرابی فراهانی، ۱۳۹۷

در بخش اول با استناد به مطالعات کتابخانه‌ای، پس از بررسی الگوی ادراک معنوی گردشگر، مؤلفه حقیقت باطنی به‌عنوان مفهوم مورد مطالعه در بین گردشگرانی که حداقل یک بار در ابرویداد اربعین حضور یافته‌اند، بررسی شد. شاخص‌های حقیقت باطنی در ابرویداد مذهبی اربعین، که در شکل ۱ ارائه شده‌اند، به روش مصاحبه نیمه ساختاریافته در میان ۲۹ نفر از

گردشگرانی که حداقل یک بار در ابرویداد اربعین حضور داشته‌اند، تحلیل و بررسی شد. داده‌های حاصل از مصاحبه، به روش رتبه‌بندی فراوانی و تحلیل محتوا، تحلیل و ارزیابی شده‌اند. پایایی و روایی تحقیق از آنجایی که از نوع کیفی می‌باشد، مطابق با رویکرد فلیک بررسی شده است. در پایایی تحقیق، در ابتدا با تأکید بر تعیین هریک از شاخص‌های حقیقت باطنی به فرد مصاحبه‌شونده و دیگری مرتبط با تفسیر محقق، دوم روش کار در میدان مصاحبه صورت گرفت که تمامی پاسخ‌ها در میدان مصاحبه مدون و درج شده‌اند و در صورت نیاز سؤال‌های تکمیل‌کننده از مصاحبه‌شوندگان پرسیده شد. و پس از جمع‌آوری داده‌ها مجدد کنترل و ارزیابی شدند و سوم، فرایند تحقیق به منزله یک کل با جزئیات هرچه تمام‌تر ثبت شده است. روایی تحقیق نیز از آنجایی که پدیده‌ها مستقل از مدعیات هستند و دستیابی به واقعیت تجربی امکان‌پذیر است، نظر خبرگان درباره سؤالات تحقیق و شاخص‌های مورد بررسی پرسیده شده و در نهایت تأیید آنها صورت پذیرفته است.

تحلیل یافته‌های پژوهش

در مجموع ۲۹ نفری که مصاحبه با ایشان انجام گرفت، ۱۱ نفر زن و ۱۸ نفر مرد بوده‌اند. در میان این گردشگران، از مقطع دیپلم تا دکترا در مصاحبه حضور داشته‌اند که حداقل یک بار و بیشترین تعداد حضور در این ابرویداد نیز ۱۱ مرتبه بوده است. تمامی افراد به جز یک نفر، پاسخ دادند که تمایل دارند مجدد در این ابرویداد شرکت کنند. نمونه‌ای از پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان به سؤالات در ذیل ارائه شده است.

سؤال اول پژوهش، "احساس وجد و شرف درونی گردشگر از ابرویداد مذهبی اربعین" را بررسی نموده است. تمامی پاسخ‌دهندگان، به این موضوع اشاره داشتند که اعتقاد و باور حضور در این ابرویداد و مشاهده میلیونی زائران، ناخودآگاه حس مسرت و شادمانی درونی در فرد ایجاد می‌کند. یکی از پاسخ‌دهندگان که چهار مرتبه در این رویداد حضور یافته است، در پاسخ به این سؤال بیان می‌کند: «وقتی حضور میلیونی عاشقان امام حسین (علیه السلام) را می‌بینی، یک حس دلپذیر و غیرقابل وصف به انسان دست می‌دهد که امام حسین (علیه السلام) با دل‌های مردم چه کرده، با وجود سختی‌های مسیر، حضور جمعیت زیاد که سختی‌ها هم حس شرف درونی ایجاد می‌کند، این مسرت در دل عنایت پروردگار است در محبت به امام حسین (علیه السلام)». پاسخ‌دهنده دیگری که یک بار در این ابرویداد حضور یافته است، می‌گوید: «علی‌رغم مشکلات عدیده‌ای که از جهات مادی برای انسان پیش می‌آید اما حس رضایت و شرف درونی باعث ادامه مسیر علی‌رغم تمام مشکلات

می‌شود. تقریباً این حس که کشش‌های درونی و فطری نیروی قدرتمندتر از ابراهای مادی هستند در این رویداد مشهود است و جلوه بارز آن زمانی است که علاوه بر ادراک درونی در محیط بیرون تجلی آن را در افراد مختلف اعم از کودک و کهنسال و معلول و... مشاهده می‌کند.

سؤال دوم، "احساس نزدیک شدن به خالق" را مورد بررسی قرار داده بود و اغلب پاسخ‌دهندگان به این امر واقف بودند، به‌ویژه به دلیل کسب رضایت خداوند و قدم گذاشتن در مسیر باور و اعتقادی که رضایت خداوند را به همراه دارد، مسلماً سبب نزدیک‌تر شدن و حس قرابت بیشتری با خداوند می‌گردد. از جمله می‌توان به پاسخ برخی اشاره نمود: «امام سفیر خداست و با نزدیک شدن به ایشان به خدا نزدیک می‌شوی»؛ «هدف همه شعائر رسیدن و تقرب به خداست، پیاده‌روی اربعین هم از این گروه است که انسان به یاد خدا می‌افتد»؛ «حتماً حس حب به ائمه انسان را به خدا نزدیک می‌کند».

سؤال سوم، "احساس ارزش‌های والای انسانی" را بررسی نموده است، و از عبارات گوناگون برای تفسیر این احساس استفاده نموده‌اند. از جمله می‌توان به برخی پاسخ‌ها اشاره کرد: «تقدم بزرگ بر کوچک، رعایت ارزش‌های اخلاقی، از خودگذشتگی و ایثار، گاهی تفاوت غذا و ترجیح دادن دیگران برای اطعام با کیفیت‌تر، از خودگذشتگی در امور رفاهی و مادی و حتی امور معنوی نظیر زیارت، مدارا و تساهل در برخوردها، کنش و واکنش‌هایی با روی گشاده و با اخلاق نیکو، اعتماد به یکدیگر و احترام به هم علی‌رغم ظواهر مختلف و ناهمگون، توجه به برابری انسان‌ها و برتری آنها صرفاً در تقوا در رفتار و گفتار زائران و... از جمله مواردی است که بیشتر در این رویداد بزرگ محسوس و ملموس است»؛ «ارزش‌های ایثار، از خودگذشتگی، عبد پروردگار بودن، یاری رساندن به مسافران، حتماً روح انسان صیقل داده می‌شود در این راه و انسان را از هر ناخالصی پاک می‌کند».

در پاسخ به "ایجاد احساس بازگشت به خویش و پیدا کردن گمشده درونی"، «برای دقایقی فرد تمام قید و بندهای مادی را فراموش کرده و به درون خویش باز می‌گردد...»؛ «فرصتی دست می‌دهد تا انسان با معبود خویش خلوت کند، به خطاهای خود پی ببرد، از آنها درس بگیرد، و به فکر ساختن آینده بهتری، روح انسان فطرتاً پاک است و فرد با خلوت می‌تواند گمشده درونی خود را بیابد»؛ «بیدار شدن فطرت پاک انسانی».

پاسخ‌دهندگان، "ایجاد احساس آرامش" را این‌گونه توصیف نموده‌اند: «امام عزیز خدا بوده و این حضور باعث نزدیک شدن به خدا می‌شود»؛ «شاید حس آرامش از همه مشهودتر باشد علی‌رغم اینکه شاید در مدت حضور در این رویداد به واسطه شرایط مادی سخت، حس آسایش کاهش پیدا کند؛ اما حس آرامش افزایش پیدا می‌کند و شاید به خاطر فراغت از تشریفات و بندهای

خودساخته زندگی مادی انسان‌ها باشد»؛ «روح عبادی و اعتقادی حرکت، حس ملکوت در وجود انسان».

"ایجاد احساس ارتباط و اتصال بیشتری با جهان هستی" را این‌گونه شرح می‌دهند؛ «همه چیز با هم ارتباط دارند، همه مخلوقات دارای شعور هستند و اربعین هستی را به انسان می‌شناساند»؛ «راهپیمایی اربعین یک رویداد معمولی نیست، عجایب در این مسیر ادراک فرد را به همه چیز عوض می‌کند و سبب ارتباط بیشتر با جهان می‌شود»؛ «سراسر این مراسم معرفت و شناخت است. زیبایی‌هایی که در این مراسم دیده می‌شود، انسان را به زیبایی جهان هستی سوق می‌دهد، و انسان به عظمت پیرامون خود از لحاظ مادی و معنوی پی ببرد. با تفکر و تعقل بیشتر، بیشتر با جهان ارتباط برقرار می‌کند»؛ «ارتباط با امام یعنی ارتباط با هستی»؛ «تمامی قومیت‌ها شرکت می‌کنند، سبب اتصال به هستی و یکدیگر».

در جدول ۱ یافته‌های حاصل از مؤلفه‌های حقیقت باطنی ارائه شده است.

جدول ۱: یافته‌های مصاحبه (مؤلفه‌های حقیقت باطنی)

احساس وجد و شعف درونی
حضور میلیونی زائران و سایر مذاهب، حرکت همراه جمعیت، سفر دسته جمعی و مذهبی، حرکت عظیمی که همانند امواج دریا ذره‌ها را در خود به حرکت درآورده، توفیق حضور در ابرویداد مذهبی اربعین؛ عزاداری برای امام حال و هوای عاشورایی پیرو امام دارد، شرکت در آیین عبادی؛ رضایت خدا، نزدیک شدن به خدا، عنایت پروردگار؛ اعتقاد مذهبی، اعتقادات درونی، باورهای درونی؛ کشش درونی و فطری؛ مسرت و شادی درونی، شعف درونی، شادمانی درونی، دلپذیر و غیرقابل وصف، شور و اشتیاق؛ حال معنوی؛ احساس سبک شدن، زلال شدن، وسعت قلب.
احساس نزدیک شدن به خالق
رسیدن به خدا از مسیر امام حسین (علیه السلام)، امام سفیر خداست و با نزدیک شدن به ایشان به خدا نزدیک می‌شوی، طلب تقرب به خدا؛ نزدیک شدن به معبود؛ تفکر، خلوت کردن با خدا؛ زمینه هدایت و نجات؛ احساس صحرای محشر؛ پالایش و زلال شدن روح؛
احساس ارزش‌های والای انسانی
ارزشمند شدن به واسطه ائمه؛ حس همیاری و کمک، همدلی، نوع دوستی، باری رساندن؛ احترام به حقوق دیگران، رعایت ارزش‌های اخلاقی؛ ایثار و از خودگذشتگی، تواضع، مهربانی؛ خودارزیابی

احساس بازگشت به خویش و پیدا کردن گمشده درونی
<p>حس گمشده؛ احساس اطاعت و بندگی و بازگشت به خویشتن؛ تفکر و تعمق، خودشناسی، خودارزیابی، تزکیه نفس؛ هویت فردی؛ جستجوی ارزش‌ها و معنویت و حالات خویشتن، جستجوی فطرت پاک خویشتن؛ رها کردن قید و بندهای مادی؛ تولد دوباره.</p>
احساس آرامش
<p>امام عزیز و سفیر خداست و نزدیک شدن به ایشان باعث آرامش می‌شود؛ احساس آرامش، معنویت و کمال.</p>
احساس ارتباط و اتصال بیشتری با جهان هستی
<p>مخلوقات دارای شعور و در ارتباط با یکدیگر؛ همگرایی با انسان‌ها؛ توجه به جهانی بالاتر؛ بستگی به نگرش فرد دارد و نگاه فردی به تعالی؛ تغییر ادراک فرد از محیط پیرامون؛ ایجاد حس بهتر به جهان؛ معرفت و شناخت به خویشتن و جهان؛ خود اتصالی به همدیگر و هستی؛ ارتباط با امام یعنی ارتباط با هستی.</p>

در پایان چگونگی درک حقیقت باطنی خویش و ادراک از این سفر روحانی و معنوی مورد سؤال قرار گرفت. مجموع پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان درباره این دو سؤال و شرح پاسخ‌ها در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۲: یافته‌های مصاحبه (چگونگی درک حقیقت باطنی)

چگونگی درک حقیقت درونی و باطنی خویش
<p>تسلیم بودن در برابر آنان و عشق به ایشان؛ ضعیف بودن من را قوی می‌کند؛ بصیرت که ناخواسته به اعماق وجود فکر نموده و علاقه‌مند به پاکی و فطرت آفرینش و رسالت ائمه؛ از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود؛ محبت امام به خویشتن؛ خدمت به خلق صبور بودن مقاومت؛ احساس بی‌وزنی که برای انسان اتفاق می‌افتد شاید ناشی از این باشد که علی‌رغم تمام ادعاهای که دارد اما در این رویداد خود را ذره‌ای کوچک در کنار دیگران تفسیر می‌کند. این حس موجب توجه بیشتر انسان به حقیقت باطنی خویش و نزدیک شدن به اصل خویش می‌گردد و مصداق این شعر است / هر کسی کو دور ماند از اصل خویش... باز جوید روزگار وصل خویش... بازگشت به فطرت خدا جو و خویشتن خویش بدون روتوش و نقاب شاید ملموس‌ترین تجربه در این خصوص باشد؛ می‌توانم بگویم که بسیار تأثیرگذار بوده و بر حقیقت درونی و بیرونی بنده از جنبه‌های معنوی و مادی افزوده شده است؛ انسان در راهپیمایی انگار مثل قطره‌ای در دریاست. احساس فروتنی و کوچکی می‌کند، با این کوچکی در برابر یک نیروی قوی قرار دارد و باید برای قرب بیشتر به خالقش بکوشد؛ چون در این واقعه ارزش بزرگ والای انسانی نمایان می‌شود، می‌توان به این پی برد که انسان می‌تواند با غلبه بر نفس به ارزش</p>

<p>انسان و حقیقت درونش پی ببرد؛ فاصله بسیار زیاد بین درون و بیرون انسان وجود دارد، خارج شدن از محیط زندگی و سیر در درون با حضور در این رویداد تأثیرش قابل لمس است نمایشی از حرکت حضرت زینب؛ احساس مسرت و سرخوشی در تمام مسیر، ایجاد حس درونی، پیدا کردن حقیقت وجودی انسانی با مشاهده عظمت حرکت امام، احساس نزدیکی به خدا، حس سبکی در ارتباط بهتر با خدا عاری از هر پلیدی...؛ از نیازهای خود چشم‌پوشی می‌کنم تا بتوانم به افراد مسن و ضعیف رسیدگی کنم؛ متوجه اشتباهاتم شده، خدا را تازه پیدا کردم، بخشی از گناهانم را جبران کردم؛ انسان میل به کمک کردن دارد که خود حقیقت باطنی است؛ زیارت اربعین از علامت مؤمن، زیارت به انسان ارزش می‌دهد و با معرفت به درگاه ربوبی نزدیک می‌شود؛ کشتی نجات حسین؛ آرامش و درک بیشتر عشق اهل بیت و دوستی بین مسلمانان؛ حقیقت وجود انسان که همان روح و نفس است بیشتر نمود پیدا می‌کند؛ ارتباط با عالم ملکوت و خالق و تقرب بیشتر؛ عشق امام حسین مانند مغناطیسی است که اگر در وجود کسی شکل بگیرد ضمیر باطنی‌اش را جذب می‌کند؛ بلوغ فکری معنوی و روحانی از لطف خدا؛ جدا شدن از خانواده و تعلقات دنیوی انسان را به حقیقت باطنی نزدیک‌تر می‌کند؛ حس رضایت درونی؛</p>
<p>نکات تکمیلی ادراک از این سفر روحانی و معنوی</p>
<p>اربعین یعنی قلب ما هنوز با امام است و جمله ی‌نصرنی؛ سفر برای ارادت و اظهار دوستی و اعلام حزن و اندوه به محضر امام؛ احساس به یاد ماندنی و غیرقابل گفتن؛ زیارت تشنگان حقیقت؛ زیارتی که معجزه انسانی است صیقل می‌دهد؛ بیان تجارب معنوی و محصور کردن آنها در چارچوب واژگان زبانی و قالب‌های نمادین کاری سخت و ناشدنی است. شاید ارزیابی تغییرات ایجاد شده در انسان‌ها به‌عنوان بخشی از خروجی یک رویداد برای انسان‌ها کاری سهل‌تر و کمی‌تر باشد و سنجش و پرسش در مورد آن راحت‌تر؛ این سفر را باید رفت و دید و تجسم چنین فضای قابل توصیف نیست و برطرف شدن مشکلات به راحتی، استقبال گرم از زائرین و بسیاری از مسائل که به باور انسان نمی‌گنجد که به راحتی برطرف می‌شود؛ همه چیز بستگی به دل انسان دارد، این اتفاق فقط چند روزی حال و هوای درونیت را عوض می‌کند، و می‌توانی به انسان بودن و انتخاب آنچه می‌توانی باشی بیشتر بیندیشی؛ برای اولین بار تجربه خوبی است؛ به صورت حضوری درک کنند و لذت ببرند که بسیار زیبا، با عظمت و لذت‌بخش است؛ توانایی افراد افزایش می‌یابد، کسانی را می‌بیند که باورش سخت‌تر برای امام پیاده‌روی کرده‌اند، هرچه هزینه کنی بازگشت چندبرابری دارد، همدلی برابری و مهربانی افراد به یکدیگر؛ سفر اربعین یک سفر آسمانی است که همه خوبی‌ها را در بر می‌گیرد، شکلی از جامعه امام زمانی است که افراد در کنار هم زندگی می‌کنند، و مشغول خدمت انسانی هستند و ادراک پاک آدم را جلوه‌گر می‌کند؛ اینجا همه دنبال گمشده می‌گردند، وقتی یک بار بیاید مبتلای همیشگی خواهد بود. و عشق و جاذبه عجیبی دارد که مسیر پیاده‌روی را طی می‌کند؛ مورد شفاعت و الطاف ایشان باشیم؛ با آرزوی هم‌نشینی کنار امام زمان تا درک بیشتری ببریم؛ دیدار ائمه حضور در جهاد و تداعی‌کننده، در مقام شفاعت؛ حرکت قطره‌های کوچک و سیل عظیم به سوی خیر مطلق عشق به امام، شور و عشق؛ با یک بار امتحان کردن این رویداد دیگر از ذهن جدا نمی‌شود؛</p>

جمع‌بندی

بی‌شک شناخت ماهیت و حقیقت هر موضوعی، می‌تواند اولین و شاید مؤثرترین گام در توسعه و بهبود یک رویداد و فرایند باشد. گردشگری در جهان امروز، با محوریت نگاه صنعتی، به یک حرکت بزرگ اقتصادی در جهان تبدیل شده است، که رویکردهای گوناگونی به آن مشاهده می‌گردد. در این میان ماهیت فلسفی، و نگاه بنیادین به حقیقت گردشگر، به‌عنوان یک انسان که چنین جریانی را در جهان رقم می‌زند، بیش از پیش ضرورت می‌یابد. نگاه فلسفی از چیستی، چرایی و ماهیت بنیادین یک موضوع صحبت می‌کند. تحقیق و بررسی حقیقت باطنی گردشگر، از جمله رویکردهای بنیادین به ماهیت فلسفه گردشگر است که می‌تواند مسیر توسعه گردشگری را بهتر نمایان سازد. به‌ویژه ابررویداد مذهبی اربعین که در سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین رویدادهای مذهبی جهان تبدیل شده است، می‌تواند نگاه صرفاً خودمحوری و خودجوش، را به یک رویکرد یکپارچه، نظام‌مند و اثربخش جریان مهم گردشگری تبدیل کند. اگر گردشگری را به‌عنوان یک سیستم متنوع از اجرای به هم پیوسته در نظر بگیریم، قطعاً گردشگر از جمله مهم‌ترین عناصر این سیستم به شمار می‌رود.

گردشگر هنگام حضور در ابررویداد مذهبی اربعین، در ارتباط با سایر گردشگران، خویشتن و خالق، زوایای مختلفی از حضور، اتصال و قرابت با فطرت خویشتن را تجربه می‌کند که در نهایت وی را به خالق خویش متصل می‌گرداند. در این اقدام حس سبک شدن، التزام به درون و توجه به ماهیت، گردشگر را با ماهیت انسانی خویش بیش از همیشه پیوند زده تا در نهایت بخش‌های گوناگونی از ماهیت درونی و خدایی خویش را درک نماید. ادراک معنوی گردشگر در ابررویداد مذهبی اربعین، آرامش و وجد درونی را برایش رقم می‌زند، تا بتواند وی را به غایت هستی نزدیک و نزدیک‌تر نماید. چارچوب مفهومی که از بررسی و تحلیل یافته‌های حاصل از مصاحبه با گردشگران به دست آمد در شکل ۲ نشان داده شده است.



شکل ۲: چارچوب مفهومی حقیقت باطنی ادراک معنوی گردشگران ابرویداد مذهبی اربعین

ویژگی مهم رویدادهای مذهبی، تأکید بر اعتقادات و باورهاست. نتایج حاصل از مصاحبه با گردشگران نیز گویای این مطلب است، که باور و اعتقاد مذهبی عنصر کلیدی تشکیل‌دهنده چنین حرکت عظیمی در سطح جهان می‌باشد، به طوری که در هنگام توصیف و شرح حقیقت درونی، تمامی نکاتی که گردشگر در این ابرویداد مد نظر داشته است، در سیطره اعتقاد به حضرت سیدالشهدا علیه السلام و واقعه عاشورا می‌باشد. در ذیل توجه و اعتقاد به وجود امام، برترین بودن و سفیر بودن ایشان در جهان هستی، محوریت تمامی فعالیت‌های گردشگر در این ابرویداد رقم خورده است. گردشگر رضایت پروردگار، ارتباط با پروردگار هستی، نحوه حضور، و همه فعالیت‌هایش را با تحمل سختی‌هایی که در این ابرویداد با ویژگی‌های خاص آن مشهود است، همگی را در گرو ارادت، محبت و دوستی و حضور در این ابرویداد می‌بیند. این نگرش ماهیت و فطرت درونی گردشگر را شکل می‌دهد و در این بستر تمامی احوالات وی رقم می‌خورد. البته که کیفیت این

احوال در افراد مختلف، قطعاً متفاوت خواهد بود، با این حال در یک طیف اعتقاد و باوری که این ابرویداد عظیم را در جهان شکل داده است، همه اعتقاد و باور با محوریت حضور امام علیه السلام، در بستر اعتقاد دینی شکل گرفته است.

بحث و نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر شاهد افزایش چشمگیر سفرهای مذهبی اربعین به شهر کربلا بوده و این سیل جمعیت، گستره خبری بسیاری نیز در جهان به همراه داشته است. ابرویداد مذهبی اربعین که هر سال جمعیت بسیار بالایی را به خود دیده است، اعتقادات و باورهایی را به سوی خود جذب نموده است که چنین باورهایی با مختصات و ویژگی‌های معمول مطالعات گردشگری مغایرت داشته و رویکردهای متفاوتی به آن شکل گرفته است. از جمله می‌توان به گستردگی و تنوع گردشگران مذهبی اشاره نمود که از طیف سایر ادیان نیز در این ابرویداد حضور دارند. این نکته تأکید به رویکردهای جدید در گردشگری مذهبی است که هم زائر و هم گردشگر مذهبی در یک سایت مذهبی حضور می‌یابند. زائران همان شیعیان حضرت سیدالشهدا علیه السلام هستند که مسلمان می‌باشند، و در طیف دیگر گردشگران مذهبی، گروه گردشگرانی هستند که مقید به دین اسلام نیستند و با اهداف دیگری به این مکان سفر کرده‌اند.

بی‌شک در قرن حاضر توسعه گردشگری از جمله اهداف کلان جوامع مدنظر قرار داده شده و صنعت گردشگری یکی از منابع ارزشمند مالی به شمار می‌رود، با این حال نگرش به سفرهای مذهبی با سایر گونه‌های گردشگری تفاوت می‌نماید. به‌ویژه ابرویداد اربعین واقع در منطقه خاورمیانه و کشور عراق که ناامنی‌های بسیاری را داشته، می‌تواند تعجب همگان را برانگیزد؛ اما این حقیقت دارد که امروز ابرویداد اربعین فراتر از یک مراسم مذهبی، رویدادی عظیم در سطح جهانی است که نگاه توسعه‌ای به آن شکل گرفته و رویکردهای مدیریت و برنامه‌ریزی به آن مطرح شده است.

بی‌شک اقدامات توسعه و ارتقای یک فعالیت بدون شناسایی دقیق عناصر و ماهیت شکل‌دهی آن، نمی‌تواند مؤثر واقع گردد. از این‌رو، ابرویداد مذهبی اربعین نیز با همه بزرگی و عظمتی که دارد، از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. در سال‌های اخیر شاهد تبلیغات گسترده و اقدامات سطح کلان کشور در این حوزه هستیم، بی‌شک عدم شناخت دقیق از ماهیت و فلسفه چنین رویدادی، می‌تواند در ادامه مشکلات بسیاری را با توجه به عدم شناخت صحیح و مناسب به وجود آورد. به همین سبب می‌توان گفت از جمله اولین اقدامات شناسایی ماهیت و فلسفه گردشگری در این

ابرویداد، شناسایی عناصر و ماهیت درونی و حقیقی گردشگر می‌باشد. ماهیت حقیقی گردشگر، با عنوان حقیقت باطنی، ادراک معنوی گردشگر را شکل می‌دهد که بر پایه فطرت، اصل، ریشه و بنیان انسانی است که با هدف آفریده شده و در این عرصه پا بر روی کره خاکی نهاده است. این حقیقت باطنی در ابرویداد مذهبی اربعین، شکل و سیاق متفاوتی دارد و از دریچه دیگری انسان را بررسی می‌کند. این دریچه رویکرد معنوی در راستای احساساتی است که گردشگر را بیش از پیش به خویشتن نزدیک نماید و در مسیر قرب الی الله برای گردشگر باشد. در این راستا احساس آرامش، ارتباط و اتصال با جهان هستی در شرایطی که ارزش‌های والای انسانی بر وی به خوبی نمایان می‌شود، شکل می‌گیرد و این فضا را بهترین و شاید از جمله مؤثرترین اماکنی می‌داند که می‌تواند وی را به ماهیت اصلی خویش گره زده و وی را به خدای خویش نزدیک‌تر کند، که همگی ریشه در باور و اعتقاد مذهبی و ارادت به سیدالشهدا علیه السلام دارد.



منابع

۱. الهی، بهرام (۱۳۷۷)، مبانی معنویت فطری، تهران: انتشارات جیحون، چاپ دوم.
۲. ایمانی خوشخو، محمدحسین و مهدیه شهبابی فراهانی (۱۳۹۶)، گردشگری مذهبی (مبانی، رویکردها، راهکارها)، تهران: انتشارات نورا.
۳. بد، مهدیه (۱۳۹۵)، «استخراج الگوی گردشگری ابرویداد مذهبی اربعین»، رساله دکترای تخصصی رشته مدیریت گردشگری، دانشگاه علم و فرهنگ، دانشکده علوم گردشگری.
۴. حسنی بافرانی، طلعت و مسعود آذربایجانی (۱۳۹۰)، «انسان سالم و ویژگی های آن از دیدگاه ویکتور فرانکل»، روان شناسی و دین، سال چهارم، ش ۲، ص ۱۱۳-۱۴۳.
۵. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۹۱)، «شناخت انسان در نهج البلاغه»، فصلنامه النهج، ش ۳۵.
۶. روحانی راوری، مرتضی و سیدحمید طالبزاده (۱۳۹۰)، «انسان شناسی در اندیشه کانت»، مجله علمی پژوهشی متافیزیک، دوره جدید، سال سوم، ش ۱۱ و ۱۲، ص ۷۳-۸۸.
۷. سعادت فر، انسیه (۱۳۸۷)، انسان شناسی از دیدگاه مطهری و اریک فروم، قم: نشر معارف.
۸. شهبابی فراهانی، مهدیه (۱۳۹۷)، «ارائه الگوی ادراک معنوی گردشگران فرهنگی کلان شهرهای ایران از سفر، مطالعه موردی گردشگران خارجی شهر اصفهان»، رساله دکترای تخصصی رشته مدیریت گردشگری، دانشگاه علم و فرهنگ، دانشکده علوم گردشگری.
۹. صدرالمآلهین شیرازی (۱۳۸۶)، ایقاز النائمین، تصحیح و تحقیق محمد خوانساری، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
۱۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۹)، بدایة الحکمه، ترجمه و شرح علی شیروانی، قم: دارالفکر.
۱۱. فلیک، اووه (۱۳۹۴)، «درآمدی بر تحقیق کیفی»، ترجمه هادی جلیلی، چاپ هشتم، تهران: نشر نی.
۱۲. کاپلستون، فردریک (۱۳۶۸)، تاریخ فلسفه، انتشارات سروش.
۱۳. کبیر، یحیی (۱۳۸۴)، «فلسفه انسان شناسی از نگاه حکمت برتر»، فرهنگ مدیریت، سال سوم، ش ۱۱، ص ۱۴۳-۱۶۸.
۱۴. مجلسی، محمدباقر (۱۰۳۷ق)، بحار الأنوار، لبنان: مؤسسة الوفاء، بیروت، ج ۴۴، ص ۲۲۱.
۱۵. محسنی مقدم، مریم (۱۳۹۵)، «ادراک معنوی حاصل از فضاهاى مذهبی کلیساهای قرون وسطی در غرب»، فصلنامه هنر و تمدن شرق، سال چهارم، ش ۱۲.

۱۶. نصر، سیدحسین (۱۳۸۱)، معرفت و معنویت، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
۱۷. همایون، محمدهادی و مهدیه بد (۱۳۹۵)، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین المللی گردشگری و معنویت دانشگاه علم و فرهنگ، به اهتمام محمدحسین ایمانی خوشخو و منوچهر جهانیان، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
18. Cerutti, S (2015), "Religious tourism and event management: an opportunity for local tourism development", international journal of religious tourism and pilgrimage, vol. 3, Issue 1.
19. Getz, D. (1997), Event management and event tourism (1st ed.). New York: Cognizant Communications Corp.
20. Feyze Abadi, J. Vaziri, M. And Mahbob, S.J. (2011), Misaghoreza Confrance. (in persian).
21. Spencer, Mark K. (2016), "The Phenomenology and Metaphysics of Spiritual Perception: A Thomistic Framework" New BlackFriars, DOI:10.1111/nbfr.12221.
22. Stranahan, Susan (2001), "Spiritual Perception, Attitudes about Spiritual Care, and Spiritual Care Practices among Nurse Practitioners" Indiana Wesleyan University.
23. Vieten & et al., (2013), "Spiritual and Religious Competencies for Psychologists" Psychology of Religion and Spirituality, American Psychological Association, Vol. 5, No. 3, 129-144.
24. Zhou Yong Joe (2006), Government and residents perceptions towards the Impact of a mega event: the Beijing 2008 Olympic Games, A thesis submitted in partial fulfillment of a requirements for the degree of Doctor of Philosophy, The Hong Kong Polytechnic University, <https://theses.lib.polyu.edu.hk/bitstream/200/2667/1/b21167643.pdf>.